

# احزاب برادریه حزب توده ایران شادباش می گویند:

پیام حزب سوسیالیست متحد آلمان دموکراتیک

## حزب توده ایران، پاسدار منافع زحمتکشان!

رفقای عزیز! به مناسبت چهل و نهمین سالگرد پایه گذاری حزب توده ایران شادباش های صمیمانه و درودهای برادرانه و رزمجویانه کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان را به پذیرید.

حزب توده ایران از آغاز تاسیس خود تا کنون دلیرانه و پیگیرانه در راه صلح، دموکراسی، استقلال ملی و پیشرفت اجتماعی رزمیده و همواره پاسدار منافع ملی و اجتماعی زحمتکشان بوده است.

دو حزب ما، که از مناسبات سنتی و دیرینه توأم با همبستگی برخوردارند، امروزه در جبهه گسترده آن نیروهای جهانی مبارزه می کنند که قاطعانه در راه رهایی بشریت از خطر فاجعه هسته ای، ملاح زدایی و حل سیاسی همه مشاجرات منطقه ای کام برمی دارند.

رفقای ارجمند، ما از این فرصت بهره می گیریم و آرزو مند موفقیت هرچه بیشتر شما در ایفای رسالت تاریخی تان هستیم.

بادرودهای کمونیستی  
ا. هونکر  
بقیه در ص ۵



شماره ۱۲۳ دوره هشتم  
سال سوم پنجشنبه ۱۷/۷/۱۳۶۵  
بها ۲۰ ریال

### تب اختلاف

در ص ۴

### بدرود بارفیک دانشیان

در ص ۲

### جمهوری یفکی اسلامی!

در ص ۳

### نمایندگان کارگران ایران در

### "کنگره جهانی سندیکائی"

یازدهمین "کنگره جهانی سندیکائی" در روزهای ۱۶ تا ۲۱ سپتامبر در برلین، پایتخت جمهوری دموکراتیک آلمان، برگزار شد. این کنگره بزرگترین گردهمایی بین المللی جنبش سندیکائی در تاریخ کنونی این جنبش بشمار می رود. در کار "کنگره جهانی سندیکائی"، بیش از هزار هیئت نمایندگی و ناظر از جانب ۲۹۶ میلیون کارگر جهان، از جمله نمایندگان "کمیسیون ارتباطات سندیکائی کارگران ایران" شرکت داشتند. "کنگره" در پایان کار خود اسناد مهمی چون "فراخوان به زحمتکشان و سندیکاهای سراسر جهان" را تصویب کرد. در این سند از زحمتکشان و سندیکاهای پنج قاره دعوت می شود تا "از مرزهای ایدئولوژیک و اجتماعی پافراهند و یکپارچه در راه جلوگیری از جهنم هسته ای و برای تأمین پیشرفت اجتماعی" بزمند.

"فراخوان" دفاع از صلح و حق زندگی را "وظیفه نخستین" زحمتکشان سراسر کیتی می خواند و از ابتکارات اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی در این زمینه استقبال می کند.

نمایندگان "کنگره جهانی سندیکائی" در پیامی به ریگان، کارباچف و خاویز پرس بقیه در ص ۷

### همبستگی جهانی با مردم و زندانیان سیاسی ایران در بریتانیا

کارگران و نیروهای مترقی بریتانیا کبیر، پس از انتشار اعلامیه های حزب توده ایران مبنی بر قتل پیررحمان رفقا کی منش و شلتوکی در زیر شکنجه، با ارسال نامه ها و تلگراف های اعتراضی به سفارت ج.ا. در لندن، همبستگی پرشور خود را با حزب توده ایران و مبارزه مردم کشورمان اعلام داشتند. در این رابطه، صدها نفر از فعالان و شخصیت های برجسته جنبش کارگری و نمایندگان پارلمان بریتانیا متن زیر را امضاء کردند:

"ما امضاء کنندگان زیر، رژیم جمهوری اسلامی را بخاطر قتل دو نفر از اعضای کمیته مرکزی حزب توده ایران: تقی کی منش و رضا شلتوکی که بدنیاال کشته شدن محسن علوی و حسن قزلچی اعضای دیگر کمیته مرکزی در زیر شکنجه صورت گرفته، شدیداً محکوم می کنیم و خواهان:

- ۱- پایان دادن فوری به شکنجه های جسمی و روحی در مورد زندانیان سیاسی هستیم.
- ۲- همه زندانیان سیاسی باید در دادگاههای علنی و با حق انتخاب وکیل مدافع محاکمه شوند.
- ۳- به یک هیئت تحقیق بین المللی بیطرف، متشکل از پزشکان و حقوق دانان (زیر نظر سازمانهای بین المللی نظیر سازمان ملل، صلیب سرخ و عفو بین المللی) اجازه داده شود که از زندانهای ایران بازدید کنند و وضع جسمی و روحی زندانیان سیاسی را مورد بررسی و تحقیق قرار دهند."

درمیان امضاء کنندگان، شخصیت های برجسته ای دیده می شوند که گروهی از آنها را نام می بریم:

نمایندگان پارلمان بریتانیا: تونی بن، جون می نارد، دنیس اسکینر (اعضای کمیته مرکزی

بقیه در ص ۸

### یورش سوم به حزب

دستگاه عظیم تبلیغاتی رژیم ج.ا. که از نخستین روزهای از پیروزی انقلاب بهمن ۵۷، حزب توده ایران را آماج حملات ناروای خود قرار داده بود، در این روزها، بار دیگر با همه توان بکار افتاده است. مبارزه حادی که علیه حزب توده ایران و جهان بینی آن در جریان است، نشانگر هراس دامنه دار ارتجاعی ترین نیروها در حاکمیت و جامعه است.

طبیعی است که ما مخالف مبارزه ایدئولوژیک نیستیم، بویژه اگر در نظر گرفته شود که گذشت زمان هر چه بیشتر حقانیت ما و بطلان نظرات سران مرتجع رژیم "ولایت فقیه" را به ثبوت می رساند. ما مخالف بهتان و تهمت و افترا هستیم. نهادهای اطلاعاتی رژیم که سازمان دهنده کارزار تبلیغاتی علیه ما هستند، از بکارگیری هیچ شیوه ناپسندی در این مبارزه رویگردان نیستند. و این نشانگر قوت استدلال ما و ضعف استدلال دشمن است.

حتی نظری گذرا به آنچه که امروز در مطبوعات مجاز انتشار می یابد، این حقیقت را به عیان نشان می دهد. وقتی روزنامه های نویسنده که هر کس با بخش خصوصی اندک مخالفتی کند و با مسئله اصلاحات ارضی، ملی کردن بازرگانی خارجی و حمایت از توده های محروم را مطرح سازد، بلافاصله مهر توده ای به او می زنند، وقتی حتی مجتهد شبتری می نویسد: "سخن گفتن از عدالت اقتصادی "کمونیزم" است" (کیهان، ۱۷ شهریور ۶۵) معنایش چیست؟ آیا جز این است که شعارها و برنامه های حزب توده ایران با خواسته های توده های میلیونی زحمتکشان انطباق کامل دارد؟

ما بارها گفته ایم و باز هم تکرار می کنیم که هسانی نظر این با آن شخص و گروه با ما به هیچ وجه به معنی "لقا" ایدئولوژیک نیست که زمانی سران "نهضت آزادی" در پیکار ایدئولوژیک با حزب توده ایران به قصد انحراف افکار عمومی مطرح می ساختند، بلکه زائیده درک معضلات جامعه از جانب آن افراد و گروههاست.

بقیه در ص ۶

## پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!



## جمهوری یفکی ....

منظور این بود که از محل درآمد یفک ساخته شده اند، اما به زودی معلوم شد که به راستی اسم های باستانی هستند.

در خانه های یفکی اگر کسی عطسه می کرد، در و پنجره از جا کنده می شد و اگر کودک بازیگوشی در اتاق طبقه دوم جست و خیز می کرد سقف طبقه اول پائین می آمد.

در ورزشگاه های یفکی اگر وزنه برداری می کردند یا کشتی می گرفتند، سقف بر سرشان خراب می شد. حتی اگر والیبال و بسکتبال هم بازی می کردند و توپ به دیوار می خورد، دیوار فرو می ریخت. در این ورزشگاه ها، پینگ پونگ بازی کردن و نماز خواندن، آن هم با احتیاط تمام، اشکالی نداشت.

در جاده های یفکی لاستیک وسایل نقلیه، نه خیال کشید کامیون هجده چرخ، بلکه اتومبیل ژبان، چنان در آسفالت فرو می ریخت که گویی آسفالت خاک و گل معمولی است.

و اگر رانندگان شکایت می کردند، وزیر راه در برنامه تلویزیونی " پاسخ گویی مسئولان به مردم " پاسخ می داد: " برادر عزیز، رزمندگان اسلام در جبهه ها خون می دهند، امت حزب الله شهید می دهند، شکه و شکایت و غرولند نمی کنند، توه توه توهان داده ای یفک خریده ای، توقع داری، جاده ها را برایت با سنگ مرمر فرش کنیم! آخر کی ما می خواهیم ارزش های اسلامی را درک کنیم و از راحت طلبی و مصرف زدگی غربی دست برداریم!"

دانشگاه های یفکی ظاهراً عیب و ایرادی نداشتند، تنها اشکالشان این بود که هیچ جوانی حاضر نبود در این دانشگاه ها و نزد استادان یفکی (که به خاطر پیوند حوزه و دانشگاه، از حوزه علمیه قم آمده بودند)، درس بخواند و فارغ التحصیل شود. ناچار دانشگاه های یفکی را یکجا و درست به سهمیه سپاه پاسداران و کمیته ها اختصاص دادند.

اما جمهوری اسلامی به دنبال کاهش شدید درآمد نفت و در پیش گرفتن سیاست افزایش صادرات غیرنفتی، پس از آن که مصرف داخلی یفکی امت حزب الله، و همین طور سهمیه رایگان یفکی کودکان و نوجوانانی را که داوطلبانه به جبهه رفته بودند، تامین کرد، به صدور یفک به بازارهای جهانی پرداخت و به همت برادران متعدد و مکتبی که رهسپار خارج می شدند و تبلیغات و بازاریابی کردند و یفک را با دادن تخفیف های عمده با اسلحه و مهمات تاخت می زدند، پس از مدتی کلیه بازارهای جهانی را یفک اسلامی تسخیر کرد.

چنین بود که اگر روزی ایران به سرزمین گل و بلبل یا کشور قالی و پسته و نفت شهرت داشت، جمهوری اسلامی به زودی در سراسر جهان به جمهوری یفکی اسلامی شهرت یافت.

## بدرودبار رفیق دانشیان

با نهایت تأسف به اطلاع همه رفقا و دوستان حزب می رسانیم که رفیق غلام یحیی دانشیان، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و یکی از پیکارگران سرسخت راه آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی و از رهبران برجسته جنبش رهایی بخش خلق آذربایجان، پس از بیماری درازمدت، چشم پر زندگی فرو بست.

در اطلاعیه ای که از سوی کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان، سازمان حزب توده ایران در آذربایجان به این مناسبت انتشار یافته از جمله چنین می خوانیم:

رفیق دانشیان در سال ۱۳۲۵ در روستای عسگرآباد سراب متولد شد. او نیز مانند دهها هزار ایرانی دیگر که در زیر فشار رژیم استبداد سلطنتی و فئودالهای حاکم قرار داشتند، برای پیدا کردن کار مجبور به ترک وطن و مهاجرت به شهر باکو شد و همراه پدرش به کارگران نفت پیوست. در سال ۱۳۱۶ به مین بازگشت و همراه صدها مهاجر دیگر با ظلم و جور رژیم استبداد رضاخانی روبرو شد و به اتهام فعالیت سیاسی زندانی گردید و پس از دو سال با دادن ضمانت از بند رهایی یافت. اما آزادی وی صوری بود و پلیس او را دائماً تحت نظر داشت. رفیق دانشیان با تغییر نام و فامیل خود را از چشم پلیس دور کرد، به شهر میانه رفت و با سمت مکانیک در اداره راه آهن استخدام شد.

پس از شهریور ۱۳۲۰، همزمان با برچیده شدن سلطنت استبدادی رضاخانی و آزادی زندانیان سیاسی، رفیق دانشیان نیز به صفوف مبارزان راه آزادی زحمتکش پیوست و از نخستین روز تشکیل حزب توده ایران، مبارزه در صفوف حزب را آغاز کرد و به ویژه در سازماندهی حزب در آذربایجان، نقش فعالی داشت. در این دوره از فعالیت که رفیق دانشیان در راه دفاع از منافع دهقانان با سرسختی تمام با فئودالها درافتاده بود، در اثر تحریک آنان دیگر بار دستگیر و روانه زندان شد. در سال ۱۳۲۲، هنگامی که نهضت نوده های زحمتکش میهنمان اوج گرفت، شرایط آزادی رفیق دانشیان فراهم شد. وی از طرف کمیته ایالتی حزب توده ایران برای کار حزبی به شهر میانه اعزام شد و تا سال ۱۳۲۴ مسئولیت کمیته حزبی این شهر را به عهده داشت.

در شهریور ماه ۱۳۲۴، فرقه دمکرات آذربایجان تحت رهبری رفیق سید جعفر پیشه وری، یکی از شخصیت های سیاسی برجسته نهضت انقلابی ایران تشکیل شد و رفیق دانشیان تمام توان خود را بکار گرفت و دوشادوش رفیق پیشه وری برای گسترش صفوف فرقه و سازماندهی آن تلاش کرد. رفیق دانشیان یکی از سازماندهای نهضت آذر در آذربایجان بود و فرماندهی فدائیان را به عهده داشت که شهرهای میانه و سراب را آزاد کردند. اندکی بعد، رفیق دانشیان به تبریز فرخوانده شد و برای آزادی تبریز فرماندهی فدائیان این شهر را به عهده گرفت. با آزاد شدن تبریز نهضت آذر در آذربایجان پیروز شد و



حکومت ملی به ریاست رفیق پیشه وری تشکیل گردید. در آذرماه ۱۳۲۵ رژیم شاه با حمایت امپریالیسم آمریکا و انگلستان به آذربایجان حمله کرد و دستاوردهای حکومت ملی را نابود ساخت. تورو گسترده در آذربایجان شروع شد. سران فرقه دمکرات و از جمله رفیق دانشیان برای جلوگیری از کشتار هرچه بیشتر زحمتکش مجبور به ترک میهن شدند.

رفیق دانشیان معنای زندگی را در خدمت صادقانه به خلق می دید و در راه نیک بختی زحمتکشان مبارزه می کرد. او دوست نزدیک اتحادشوری بود و اعتقاد داشت که مناسبات دوستانه بین ایران و اتحاد شوروی به نفع خلقهای هر دو کشور و به ویژه خلقهای میهن ما است. رفیق دانشیان مبارز سرسخت راه حوسیالیسم بود و اعتقاد راسخ به اصل انترناسیونالیسم پرولتری داشت و در راه دوستی خلقها با دل و جان می کوشید. او طرفدار سرسخت ایجاد حزب واحد مارکسیستی - لنینیستی در ایران بود. به همین سبب در تشکیل و پایان موفقیت آمیز کنگراس وحدت در خرداد ۱۳۲۹ از هیچ کوششی فروگذار نکرد. در همین کنگراس بود که به عضویت هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران برگزیده شد. رفیق دانشیان در راه حفظ یکپارگی و اتحاد جنبش کمونیستی و کارگری میهنمان و علیه تظاهر هر نوع اپورتونیسم، با اصولیت و سرسختی مبارزه می کرد. او بیش از ۴۰ سال، عضو فعال رهبری حزب توده ایران و فرقه دمکرات آذربایجان و همچنین سالهای درازی صدر کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان - سازمان حزب در آذربایجان بود.

ما ایمان داریم که راه مبارزه انقلابی و آرمانهای مردمی و توده ای رفیق دانشیان، این فرزند صادق خلق آذربایجان و کمونیست برجسته، درسی برای نسل آینده خواهد بود و خاطره او همواره در ذهن خلقهای پیکارجوی میهنمان جاودان خواهد ماند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران درگذشت شادروان رفیق غلام یحیی دانشیان را به کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان، سازمان حزب توده ایران در آذربایجان و به همه اعضای حزب و بازماندگان وی تسلیت می گوید. پادش گرامی باد!



فردین تنکابنی

جمهوری یفکی اسلامی!

ماجرای آن جا شروع شد که یکی از برادران متعهد مکتبی، در مقاله مصلی که نصف صفحه روزنامه را گرفت، ضمن انتقاد شدید از عادت یفک خوردن بچه ها، پیشنهاد کرد اکنون که به این زودی هاسنی شود "فرهنگ مصرف زدگی غربی" را تغییر داد، دست کم دولت خدمتگزار بیاید و سیاست "از آب کره گرفتن" خود را تا حیطه یفک بچه ها هم بسط بدهد و حالا که یفک پانزده ریالی در بازار سیاه به راحتی سی ریالی به فروش می رسد، دولت این پانزده ریالی اضافی را به جیب خود سرازیر کند و یفک را به قیمت رسمی سی ریالی بفرشد.

این برادر متعهد مکتبی، با دقتی در خور تحسین، محاسبه کرد که در آن صورت، اضافه درآمد سالانه دولت تنها از یفک ۹ میلیارد ریال خواهد بود و با این پول دولت خدمتگزار می تواند ۱۵ هزار واحد مسکونی یا ۳۷۵ ورزشگاه مجهز یا دو دانشگاه بزرگ و یا هزار کیلومتر جاده درجه یک بسازد.

هیچ کس تصور را هم نمی کرد که با وجود مسائل عمده ای مانند جنگ و پایین آمدن بهای نفت و کاهش شدید درآمد ارزی دولت و توطئه های استکبار جهانی و اذتاب آن، یفک، یک شبه به عمده ترین و حیاتی ترین مسئله روز بدل شود و جناح ها و خط های مختلف و مخالف، علی رغم توصیه ها و نصایح "امام امت" که همه را به وحدت برای حفظ اسلام عزیز دعوت می کند، اینگونه آشکار در برابر هم صف بندی کنند.

جناح طرفدار بخش خصوصی و مخالف دولت خدمتگزار، سخت به یفک و یفک زدگان تاخت. گویندگان و نویسندگان وابسته به این جناح، عارضه یفک زدگی را برای جمهوری اسلامی خطرناک تر از نفاق و الحاد دانستند و گفتند و نوشتند که: "این بار دست شیطان بزرگ و استکبار جهانی از آستین یفک زدگان بیرون آمده است و می رود تا نظام جمهوری اسلامی را که ثمره خون ۶۰ هزار شهید و صدها هزار مجروح و معلول است، برباد دهد. در حالی که رزمندگان کفر ستیز ما، در جبهه های جنگ حق علیه باطل، با نثار خون خود می روند تا بساط صدام و صدامیان را در هم ریزند و به دنبال آن طومار کفر و الحاد جهانی را در هم نوردند، شش عوامل آگاه و بی آگاه استکبار، به جای کمک به جبهه ما، با خرید یفک برای فرزندان خود، تیشه به ریشه اسلام و نظام جمهوری اسلامی می زنند و به خون شهیدان و ارزش های اسلامی بی حرمتی می کنند.

این جناح ضمن اعلام این مطلب که در فقه اصیل اسلامی مباحی به نام "اکل یفک و آداب شرعی آن" وجود ندارد، پیشنهاد کرد که گفت تازه ای به نام -گشت یفک" تشکیل شود و کودکانی که یفک می خردند و یفک می خوردند، به همراه برادران و مادران شان به وسیله افراد این گشت، با همکاری امت همیشه در صحنه،

بازداشت و در دادگاه انقلاب اسلامی به اتهام توطئه علیه نظام جمهوری اسلامی و اهانت به امت حزب الله، محاکمه و کودکان به ۱۴ ضربه شلاق و پدران و مادران به ۷۲ ضربه محکوم شوند. آیت الله آذری قمی که رهبری مخالفان را در دست داشت، اعلام کرده: "اکل یفک به منزله اکل میته است." و طرفداران و پیروان او تهدید کردند که اگر دولت خود جلو تولید و توزیع و مصرف یفک را نگیرد، امت حزب الله را ساوارد صحنه خواهند شد و همان طور که حساب بی حجابان و بدحجابان را رسیدند، پاسخ یفک زدگان و حامیان آنها را نیز خواهند داد.

جناح طرفدار دولت خدمتگزار و هوادار فقه پویا و زنده که با مقتضیات روز تطبیق می کند، با اعلام این مطلب که میاهوی مخالفان در حقیقت به خاطر آن است که کارخانه سازنده یفک دولتی است و در اختیار بخش خصوصی نیست، اظهار داشتند از آنجا که مصرف یفک یک

با دخالت شخص امام و تهدید ایشان، جناح مخالف موقتا ساکت شد و دولت خدمتگزار به تولید هرچه بیشتر و فروش هرچه گران تر یفک پرداخت. امت حزب الله هم که خرید و مصرف یفک را کنگ به جبهه های جنگ حق علیه باطل می دانستند، به خریدن و خوردن یفک پرداختند. البته همان طور که پیش بینی می شد، وقتی که دولت نرخ رسمی یفک را سی ریالی اعلام کرد، بهای آن در بازار سیاه به شصت ریالی رسید. دولت هم به پیروی از نظریه برادر متعهد مکتبی، بلافاصله نرخ رسمی آن را بالا برد و به شصت ریالی رساند. و این مبارزه میان نرخ رسمی و آزاد آن قدر ادامه یافت تا نرخ آزاد از رقابت با نرخ دولتی درماند و عاجز شد و بازار سیاه به شکست خود اعتراف کرد و از رقابت دست کشید و بخش خصوصی ناچار این عرصه را به دولت واگذار کرد.

اطلاعات | یکشنبه ۱۵ تیر ۱۳۶۵ - ۲۸ شوال ۱۴۰۶  
۶ ژوئیه ۱۹۸۶ - شماره ۱۷۹۲۲  
بازار آمد یفک می توان ۱۵ هزار واحد مسکونی، ۳۷۵ ورزشگاه مجهز و ۱۰۰۰ کیلومتر جاده درجه یک ساخت!

اطلاعات | دوشنبه ۱۳ تیر ۱۳۶۵ - ۶ ذیحجه ۱۴۰۶  
۱۲ ژوئیه ۱۹۸۶ - شماره ۱۷۹۲۱  
خطار برای اطلاع نامیده

عارضه فرهنگی است و به این زودی ها نمی توان آن را از میان برد و تجربه هم نشان داده که خشونت و شدت عمل در این گونه موارد کارساز نیست. با توجه به ضرورت (نه ضرورت مصرف یفک، بلکه ضرورت ازدیاد درآمد دولت در این موقعیت حساس جنگ و توطئه های استکبار جهانی) و با استفاده از احکام ثانویه، مصرف آن نه تنها اشکال شرعی ندارد، برعکس از آنجا که سبب ازدیاد درآمد دولت و در نهایت کمک به جبهه ما می شود، مباح و حتی مستحب است. مبارزه یفکی میان دو جناح چنان بالا گرفت و هر دو جناح به نصایح و رهنمودهای آیت الله منتظری که فرموده بودند: "به خاطر یفک بی قابلیت اسلام عزیز و نظام جمهوری اسلامی را در معرض مخاطره قرار ندهید." چنان بی اعتنائی کردند که امام، اجتناب شخصاً ناچار به مداخله شد. در یکی از "یوم الله" ها (البته معلوم نبود آن یوم الله جشن است یا سوگواری، تفاوتی هم نمی کرد، چون به هر حال همه بوجه می خواندند و سپهه می زدند) با شنیدن صدای امام حق حق گزیه را سز می دادند. امام امت - در سخنان شان فرمودند: "امروز مسئله یفک در اوضاع امروز واقع شده و من خوف آن دارم که در اوضاع مسئله جنگ هم واقع شود. ببینند این دهان های زهر آگین را و ننگه دارند این زبان های زهر آلود را و کنار بگذارند این قلم های مسموم را. من حال نصیحت می کنم، لکن اگر نصیحت مفید واقع نشد، آن وقت طوری دیگر عمل می کنم."

بلافاصله اقتصاددانان متعهد مکتبی با سروصدای فراوان اعلام کردند که روش ابتکاری و منحصر به فرد اقتصاد اسلامی، علاوه بر آن که برگ تازه ای در تاریخ اقتصاد جهان گشوده، همه اقتصاددانان شرق و غرب را حیران و انکشت به دهان کرده و به اعتراف به برتری اقتصاد اسلامی - بر اقتصاد استکباری و ادا شده است. درآمد دولت از یفک چنان زیاد شد که علاوه بر تخمین نیازهای مالی جبهه، طبق نظر برادر متعهد مکتبی، به ساختن خانه و ورزشگاه و جاده و دانشگاه پرداختند. این خانه ها و ورزشگاه ها و جاده ها و دانشگاه ها میان مردم به خانه های یفکی، ورزشگاه های یفکی، جاده های یفکی و دانشگاه های یفکی شهرت یافتند. البته روز اول یفک در ص ۲



## تب اختلاف

"تب اختلاف الان در کشورمان بالاست" (هاشمی رفسنجانی در دیدار با هیأت امنای بنیاد و مسئولان روزنامه "رسالت")

بحران سیاسی موجود در جامعه، که تنها بخشی از بحران همه جانبه و ژرفی است که تمام عرصه‌های زندگی اجتماعی را در بر گرفته، در حاکمیت جمهوری اسلامی نیز بازتاب یافته و "اختلاف بدنش‌ها و منش‌ها" و "نقش‌ها و اصلکاک‌ها" میان "جریان‌ها و جناح‌های فکری سیاسی" جامعه به جایی رسیده است که دست اندرکاران را به فکر کاری برای "حاکمیت" از خصومت و درگیری هر چه بیشتر میان جناح‌ها انداخته است. (در گپومه از سر مقاله "کپهان" ۱۸ مرداد).

در یکسوی این صف بندی به اعتراف ناظران "حزب جمهوری اسلامی، بخشی از انجمن‌های اسلامی اصناف و ادارات، روحانیون، نمایندگان مجلس و شخصیت‌های سیاسی" و در سوی دیگر "جمعی از روحانیون، نمایندگان مجلس و شخصیت‌های مملکتی، انجمن‌ها و شوراهای اسلامی حول سناد انتخاباتی دانشجویان، معلمان و کارگران" قرار دارند. (کپهان، ۱۸ مرداد).

اما اختلاف بر سر چیست؟

"الآن دو جناح نسبتاً قوی در کشور ما هستند که اینها، بر سر نحوه اداره و نقش دولت و بخش خصوصی در امور مختلف اختلاف نظر دارند" و "دسته اول معتقدند که باید دست مردم را در امور باز گذاشت و دسته دیگر (معتقدند) که در عین حالی که باید دستها را در انجام کارها باز گذاشت، باید نظارت دولت را بر امور نیز پذیرفت" (هاشمی رفسنجانی).

وجود این اختلاف در دستگاه‌های رهبری جمهوری اسلامی، به قدمت خود جمهوری است؛ "در مجلس خبرگان قانون اساسی که ما بودیم واقعاً آنجا هم دو دید بود. دو جناح، دو سمت فکر بود" (منتظری، کپهان، ۴ تیر).

وجود اختلاف نظر در حاکمیت پیرامون مسائل مطروحه تاریکی ندارد. اما امری که این اختلاف نظر را تشدید کرده و به "خصومت و درگیری" جناح‌ها در حاکمیت منجر شده، مسئله‌ای است مهم که قابل بررسی است.

مهمترین عاملی که موجب تشدید درگیری‌ها در حاکمیت شده، ژرف‌تر شدن روزافزون بحران همه جانبه اقتصادی - اجتماعی در کشور و تنگ‌تر شدن آفر، سرور، رفت از این بحران در چارچوب مناسبات حاکم سیاسی و اجتماعی - اقتصادی کنونی است. اکنون مدت‌هاست که زنگ خطر برای مسئولان جمهوری اسلامی به صدا در آمده و شمارش معکوس آغاز شده است. مجموعه سیاست اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی رژیم، بویژه پس از تسلط انحصاری روحانیون در حاکمیت، موجب تشدید بحران در جامعه و ژرفش آن در راستای کشاندن کشور سوی ورطه ورشکست کامل گشته است. بی برنامه‌گی، هرج و مرج در تمام سطوح، در نحوه و محتوی تصمیم‌گیری‌ها، مبرم و بنیادی، در سمت‌گیری سیاسی در راستای حمایت از مالکیت خصوصی بطور اعم و باز گذاشتن عرصه چپاول

سرمایه تجاری بطور اخص، در سیاست آشکار و خشن علیه منافع زحمتکشان و جلوگیری از هر گونه عکس‌العمل آنان از طریق سرکوب شوراها و سندیکاها و سازمان‌های سیاسی و صنفی مدافع این اقشار، در عین حال، فعالیت گسترده و آزادانه و متشکل بهره‌کشان دولتی و سرکوبگر، و بویژه سیاست ایران پر بادده و جنایتکارانه، ادامه جنگ که تاشیر مخرب خود را بر تمام جوانب زندگی مردم و جامعه، حال و آینده آن بر جای گذاشته و هنوز سالیان دراز بر رشد و تکامل کشور و آهنگ و شتاب این رشد تاشیر منفی برجای خواهد گذاشت، از وجوه مشخص بحرانی است که بر جامعه حاکم است.

این بستی که جامعه در پیرتو این بحران و ادامه جنگ با آن مواجه شده، نمی‌تواند نیروهای اجتماعی را به فکر راه‌های برون رفت از آن نیندازد. هم حاکمیت در کل و هم جناح‌های گوناگون ب فکر چاره افتاده‌اند. آنان بخوبی می‌دانند که ادامه وضعیت موجود و تشدید آن نه تنها به تشدید باز هم بیشتر موج نارضایتی مردم می‌انجامد و جامعه را در مقابل حاکمیت به صل و خواهد داشت، بلکه "خصومت‌ها و درگیری‌ها" در حاکمیت را باز هم بیشتر تشدید خواهد کرد. وضعیت جدید، به صف بندی نیروهای اجتماعی، افشار و طبقات مردم در مقابل کلیت رژیم خواهد انجامید و در چنین شرایطی است که هستی "جمهوری اسلامی" در خطر نابودی قرار خواهد گرفت. در واقع تشدید خصومت‌ها در حاکمیت بازتاب این واقعیتها و بر اساس محاسبه این احتمالات است.

هر دو "جناح" رژیم، هر یک بنا به "بینش" خود و بسته به "علاق" خویش در پی چاره جوئی است.

از یکسو جناحی که "کنترل بیشتر دولت" را می‌طلبد، اما در عمل و به سهم خود به آزادی عمل چپاولگران و غارتگران باری رسانده، با توجه به تحدید امکانات اقتصادی زائیده ادامه جنگ خواهان تجهیز تمام امکانات موجود در کشور برای پایان دادن فوری جنگ با پیروزی نظامی است. به زعم این جناح، دستیابی به این هدف و وضعیت بحرانی موجود را تخفیف خواهد داد و ذهنیت مردم را که بی‌زاری و نفرت خود از جنگ را نشان می‌دهند، دگرگون خواهد ساخت. از سوی دیگر، به تصور این جناح، پیروزی نظامی در جنگ، اعتبار رژیم را حفظ و آن را تقویت خواهد کرد. برای این جناح بر سر کار آمدن یا نیامدن رژیم اسلامی در عراق، در شرایط کنونی اهمیت درجه دوم دارد و مهم ذهنیت توده‌ها، بویژه آن دسته از توده‌های مردم است که به علت باورهای مذهبی خود نسبت به رژیم دچار تروم هستند و با پشتیبانی مادی و معنوی از آن و شرکت مستقیم در جنگ و با تحمل تلفات فراوان ادامه جنگ را تاکنون برای حکام حاکم ساخته‌اند. هدف عمده این جناح کوشش برای محدودتر شدن پایگاه اجتماعی رژیم و مقابله با تنش‌های آتی، و به بیان دیگر، جلوگیری از اعتقادی جنبش انقلابی و بقای رژیم تک‌تک بار کنونی است.

اما جناح دیگر سیاست مژورانه و عوام فریبانه‌ای را در پیش گرفته است که توجه به آن ضروری است. کوشش عمده این جناح، عمدتاً در این راستا حیر می‌کند تا چنین وانمود سازد که تا کنون نقشی در حاکمیت سیاسی نداشته و گویا

"چندین سال است حاکمیت دست آن جناح بوده است" و "همه چیز بدست آن جناح بوده است". این جناح وانمود می‌سازد که طرز تفکر جناح مقابل و نحوه برداشت آن از مدیریت جامعه، کشور را به چنین وضعیتی کشانده است. اگر چه این ادعا، بطور عینی با واقعیت منطبق نیست. اما همین محتوی اصلی تشدید اختلاف‌ها در میان دو جناح حاکمیت در مرحله کنونی است.

این جناح که طرفداران آن عمدتاً حول روزنامه "رسالت" گرد آمده‌اند، و بقول رفسنجانی، رهبران آن "استوانه‌های روحانیت" اند و "به خیلی جاها مربوط اند"، خواهان آن است که بخش خصوصی از آزادی همه جانبه‌ای برخوردار گردد و همه دخالت دولت در امور اقتصادی را به زیان خود می‌بیند. علیرغم آنکه بازار و عموماً سرمایه تجاری، خانها و زمین‌داران بزرگ از اقشاری بوده‌اند که بویژه در سالهای اخیر، سودهای سرشاری را به جیب زده‌اند، و خود نیز به طرق مختلف در حاکمیت دست داشته‌اند، بیانگران منافع آنها در حاکمیت، که پایه‌های رژیم را متزلزل می‌بینند، اکنون تمام گناهمان را به گردن جناح دیگر انداخته و دستهای آلوده خود را بر یاکارانه پنهان می‌کنند. در عین حال، هدف این جناح دستیابی به قدرت سیاسی بطور انحصاری است و عناصر تشکیل دهنده آن در پی تکمیل هر چه بیشتر سلطه اقتصادی خود، با اهرم سلطه سیاسی هستند، تا بتوانند آزادانه و متناسب با منافع خود و با تأمین استمرار شرایط برای غارت هر چه بیشتر خلق، حاکمیت خود را در آینده تضمین کنند. برای عملی ساختن این منظور آنان تلاش می‌کنند که با فعالیت سازمان یافته در همه عرصه‌ها، از انتخابات گرفته تا تشکیل دولت و تعیین وزیر و در سئولیتها" اهرم‌های سیاسی را در دست تصرف کنند. یورش آنان برای به انحصار درآوردن قدرت سیاسی، درست در شرایط فقدان اپوزیسیون نیرومند ضد رژیم صورت می‌گیرد. این جناح شرایط زمانی موجود را بهترین موقع برای پیشبرد هدفهای خود در نظر جناح دیگر می‌داند. زیرا در صورت وجود یک اپوزیسیون نیرومند که بالفعل مجبوعه حاکمیت جمهوری اسلامی را تهدید می‌کرد و می‌توانست نه تنها حاکمیت سیاسی، بلکه حاکمیت اقتصادی...، یعنی بساط چپاول و غارت آنان را نیز درهم پیچد، ناچار از حفظ یگانگی خود با جناح رقیب می‌بود. اما در متن درگیری میان این جناح‌ها، توجه به موضع خمینی و به تبع او منتظری، از اهمیت خاصی برخوردار است.

خمینی - که هر دو جناح، نظرات خود را به وی منتسب و منبعث از نظرات مطروحه او می‌دانند - مثل گذشته، با زدن گامی به میخ و گاهی به نعل با همدار دادن گام به این و گاه به آن جناح و عموماً متناسب با میزان فشاری که جناح‌های گوناگون وارد می‌سازند، همچنان هم خود را متوجه وحدت این جناح‌ها ساخته است. او همواره بر این موضع تأکید می‌کند که "ساله، ساله، اسلام است". او بخوبی می‌داند که ژرفش شکاف میان نیروهای که تاکنون هم حاکمیت جمهوری اسلامی را تشکیل داده‌اند و کشیده شدن این شکاف به قاعده هرم، یعنی پایگاه اجتماعی رژیم، کل رژیم جمهوری اسلامی را تهدید خواهد کرد.

**واقعیت‌ها تا ایندیگر نظر ما هستند**

در قطعنامه "کنفرانس ملی حزب توده" ایران از جمله آمده است، "بهشتر کشورهای سوسیالیستی، که در زمینه‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی دستاوردهای بزرگی داشته‌اند، کام به مرحله سوسیالیسم پیشرفته گذارده‌اند. این مرحله پایه قانونمند بلوغ اجتماعی-اقتصادی جامعه سوسیالیستی در چارچوب صورتبندی کمونیستی بشمار می‌رود."

آلمان دمکراتیک با موفقیت به ساختمان جامعه سوسیالیسم پیشرفته ادامه می‌دهد. طبق آخرین آمار منتشر شده، زندگی زحمتکشان روز بروز بهتر می‌شود. اشتغال کامل، رفاه عمومی، آموزش و بهداشت مجانی برای همه، از ویژگیهای آلمان دمکراتیک است. طی سالهای ۱۹۷۱ تا ۱۹۸۵ بیش از ۲/۵ میلیون واحد مسکونی ساخته یا نوسازی شده‌اند و پدینسان شرايط زندگی ۷/۲ میلیون تن از شهروندان بهبود یافته است. در همین فاصله زمانی در آمد سرانه واقعی شهروندان دو برابر شده است. تهییت بهای مایحتاج عمومی، کرایه مسکن، هزینه وسائلی نقلیه و ارزش خدمات، در بالا رفتن سطح زندگی مردم نقش مهمی داشته است. در فاصله زمانی مورد بررسی پیشوانه حقوق بازنشستی از ۹/۷ به ۱۷/۴ میلیارد مارک افزایش یافته است. طبق برشنامه مصوب کنفرانس ۱۱ حزب، درآمد ملی در سالهای ۱۹۸۶-۱۹۹۰ به میزان ۲۴ تا ۲۶ درصد، محصول خالص ۴۹ درصد و بازده کار ۵۱ درصد افزایش خواهد یافت.

در همین رابطه و به منظور حفظ وحدت جناحها، منتظری از بکوسیردن "کار مردم به دست مردم" و دیگر گرفتن مکانیسم "رقابت و عرضه و تقاضا" را توجیه می‌کند. وی حتی برای این مکانیسم، خصوصیات "خدائی" قائل می‌شود و آن را به "دست خدا" که امور را بخود خود می‌گرداند، تشبیه می‌کند (رجوع کنید به سخنان منتظری در دیدار با مسئولان و سردبیران مطبوعات، کیهان ۴ تیر). در عین حال، منتظری لزوم نظارت دولت را نیز گوشزد می‌کند. تا کنید منتظری نیز همچون خمینی و به تقلید از وی، بر حفظ وحدت برای حفظ حکومت و اسلام است.

"اگر اتحاد ما بهم بخورد و این درگیریهای که گاهی اوقات هست و همدیگر را منزوی کنیم انقلابیان شکست می‌خورد، اسلام شکست می‌خورد، و تا روز قیامت ما مسئول هستیم. آشوبت نسل آینده ما را نفرین می‌کند." سیاستور را که خمینی و "جانشین او" در پیش گرفته‌اند، سیاست مانور میان جناحهای گوناگون بمنظور حفظ وحدت آنان و رفع خطر از جمهوری اسلامی است.

اما دعوت سردمداران رژیم به حفظ وحدت، از سوی جناحهای یاد شده بی‌جواب نمی‌ماند. "اندالله یادامجان"، یکی از سخنویان جناح دوم، در "رسالت" ۱۴ تیر می‌نویسد: "وحدت نماز مند به آرمان مشترک"، "اهداف مشترک" و "اهدافهای مشترک" است. در مقابل، دفتر تحکیم وحدت دانشجویان مسلمان نیز، که از مدافعان جناح اول است، در بیانیه‌ای که در کیهان ۵ تیر چاپ شده، اعلام داشته است: "مردم توده‌های رانرهنه هستند نه صاحبان سرمایه‌های کلان و کسانی که نه نکات سرمایه مشغولند، مردم قابل تفسیر نیستند، توده‌های خروشان کوچک و مدرسه و دانشگاه و کارخانه و مزرعه هستند." نویسندگان بیانیه مدار می‌دهند: "دشمن را بیابید! سرمایه‌داران قاصد، دشمنانی هستند که در خانه کمین کرده‌اند و آثار تبدیل شدن آنان به یک قدرت سیاسی نیز کم کم پیدا خواهد شد."

در حاشیه این درگیریها و در ارتباط با آن، نبردهای دیگری نیز از جمله بازرگان و طیف نهضت آزادی و غیره در صحنه سیاست نمایان می‌شوند.

فعالتر شدن اموزسیون سلطنت طلب و تشدید سیاسی آن برای یافتن زبان مشترک میان خود با گرد آمدن حول "رضا نم بهلوی" در ارتباط با شرایط موجود در کشور است. وضعیت موجود، امیدهای را در دل آنان زنده کرده است. نگاهی گذرا به وضعیت عینی حاکم بر کشور، صحت ارزیابی‌های اصولی حزب ما، منعکس در اسناد مصوب کنفرانس ملی را به ثبوت می‌رساند. اسناد کنفرانس، بویژه گزارش هیئت سیاسی، وضعیت فعلی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده، جوانب مختلف آن را شکافته و رهنمودها، عملی برای فعالیت حزب در این مقطع از حیات سیاسی کشور ارائه کرده است.

در بند ۱۲ قطعنامه مصوب کنفرانس ملی، رخنه و منافذ حزب در مرحله کنونی - در ارتباط با موضوع مورد بحث دست آمده است:

**احزاب برادریه حزب**

**شادباش حزب کمونیست کانادا:**

**حزب توده ایران را نمی‌توان نابود کرد**

رفقای گرامی!

به مناسبت چهل و پنجمین سالگرد پایه گذاری حزبتان، سلامهای گرم و برادرانه ما را به اعضای خود برسانید. حزب شما در پیکار بخاطر منافع زحمتکشان ایران و علیه امپریالیسم و ارتجاع سابقه تاریخی دیرینه‌ای دارد. چه بسیار زنان و مردانی که در این راه حتی جان خود را باختند، همانگونه که امروزه نیز توده‌ای‌های بی‌شماری در سباه‌های رژیم تروریستی به مبارزه خود ادامه می‌دهند.

حزب توده ایران به تجربه نشان داده است که می‌تواند رهبری توده مردم ایران را در مبارزه‌شان با استبداد و امپریالیسم و برای پیشبرد آماجهای انقلاب بدست گیرد. شما برغم سرکوب، شکنجه و مرگ و منع فعالیت قانونی، همواره وفاداری خود را به اصول مارکسیسم - لنینیسم، انترناسیونالیسم پرولتری و هدفهای دمکراتیک انقلاب به ثبوت رسانده‌اید.

حزب توده ایران را با سرکوب نمی‌توان ناپود ساخت. این حزبی است، دارای ریشه‌های عمیق در میان طبقه کارگر و مردم ایران و سرانجام در همبستگی با دیگر نیروهای بواقع دمکراتیک و مترقی، مردم ایران را به سر منزل پیروزی خواهد رساند.

بار دیگر چهل و پنجمین سالگرد پایه گذاری حزبتان را شادباش می‌گوئیم و همبستگی و یگانگی خود را در راه پیشبرد هدفهای مشترک اعلام می‌داریم.

با درودهای برادرانه،

کمیته مرکزی حزب کمونیست کانادا

ویلیام کاشان، دبیر کل

افشای سیاست ضد خلقی رژیم ج.ا. به قصد روشنگری و تجهیز نیروها، در سرلوحه وظایف ارگانهای تبلیغی حزب قرار دارد:

"در این رابطه بجا است، با توجه به آنکه در درون هیأت حاکمه جناحهای گوناگونی وجود دارند و این جناحها در زمینه‌های مختلف سیاست داخلی و خارجی با هم دارای اختلاف هستند، سیاست تبلیغی حزب منظم گردد. توجه به این تضادها و استفاده از آنها امری است ضروری. ولی این مسئله نباید موجب عدم توجه به ماهیت ارتجاعی و استبدادی رژیم در کلیت خود بشود. وظیفه اساسی در این مرحله مبارزه با مجموعه رژیم ج.ا. به منظور برانداختن آنست."

در عین حال در گزارش کمیته مرکزی به کنفرانس نیز تاکید شده است که: "ما باید در آن واحد در دو جبهه مبارزه کنیم: هم با رژیم خودکامه قرون وسطائی و هم با امپوزسیون بورژوازی سلطنت طلب که می‌خواهد دستاوردهای انقلاب ۵۷ یعنی نظام الغا شده سلطنتی را نابود سازد."

در قطعنامه‌های کنفرانس، خاطر نشان شده است که "پیش شرطها و زمینه‌های عینی برای سرنگون کردن رژیم در کشور ما وجود دارد، اما عدم نضج شرایط ذهنی مانع بسیج توده‌ها برای رویارویی با رژیم می‌شود."

حزب ما بدین خاطر اعتقاد دارد که وظیفه تمام نیروهای ملی و دمکراتیک کشور است که با گردهم آمدن در جبهه متحد خلق بر پایه برنامه مشترک و با حفظ استقلال سیاسی - ایدئولوژیک و سازمانی خود، به امر بسیج توده‌های خلق و در درجه اول زحمتکشان کشور در راه سرنگونی رژیم استبدادی جمهوری اسلامی، با کاربرد همه شیوه‌های مبارزه بکوشند.

هر گونه درنگی در این وظیفه پس مبرم، به معنی ادامه حیات رژیم سپاه قرون وسطائی و طولانی‌تر شدن رنج‌ها و مصائبی است که مردم میهن ما تحمل می‌کنند.

**پخش و تکثیر "نامه مردم" در داخل کشور وظیفه هر عضو و هوادار حزب است!**



### یورش سوم به حزب

انهائیکه به نوشته "مهندس حسن شهیدی در روزنامه "کیهان" ۱۷ شهریور ۶۵، شعار "کمونیسم تهدید می‌کند" را مطرح می‌کنند، هدفی جز پرده پوشی، سیاست ضد خلقی رژیم را ندارند. همانها هستند که سرخ توده ای ستیزی را بدست دارند و به آن دامن می‌زنند.

مطالعه آنچه "اطلاعات"، "کیهان"، "جمهوری اسلامی" و دیگر نشریات تحت کنترل رژیم در روزهای اخیر علیه حزب ما انتشار می‌دهند، بی اختیار شبیه‌های مطرودی را که زمانی ساواک در رویارویی با توده ایها بکار می‌برد، در اذهان زنده می‌کند. این نیز تصادفی نیست. همه می‌دانند که پس از پیروزی انقلاب، حزب توده ایران و دیگر سازمانهای مترقی خواستار انتشار فهرست ساواکیها شدند. اما سران چرا هیچگاه به این خواست تن در ندادند. چرا؟ زیرا رژیم به ساواکیهای تربیت شده در مکتب "سیا" برای مقابله با کمونیستها نیاز داشت. درست به همین دلیل بود که دولت موقت، بخش ویژه "ساواک" را که کار آن بویژه مبارزه با حزب توده ایران بود، با کلبه "برونده‌ها" به نخست وزیر انتقال داد. از همان تاریخ پیرونده سازو علیه حزب توده ایران آغاز شد و تا کنون نیز بی وقفه ادامه دارد.

نویسندگان مقالاتی که در ارگان سیا به یاداران، ارگان "نهضت آزادی" و دیگر نشریات مشابه علیه حزب ما انتشار می‌یافت و در آنها اعضا حزب ما "ستون پنجم شوروی" نامیده می‌شدند، به اصطلاح تحلیلگرانی بودند که بسیاری از آنها در مکتب "سیا" تربیت شده بودند. زیرا مضمون و محتوی این نوشته‌ها چیزی جز آنچه که ساواک به موفقی خود در انواع نشریات و از آنجمله "سیر کمونیسم در ایران" منتشر ساخته بود، نبود. تهمت، افترا و بر حسب از ابزار عمده ساواک در مبارزه با حزب توده ایران بود. باید خاطر نشان ساخت که در این کارزار تبلیغاتی، ساواک از نوشته‌های مشتق خائنین به منافع طبقه کارگر و آزدگان سیاسی نیز بهره می‌گرفت.

همه این شبه‌ها امروز نیز مانند دیروز رایج است. مثلاً "اطلاعات" سلسله مقالاتی را به نام عده ای بی نام و نشان در به اصطلاح تحلیل خطمشی حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) منتشر می‌سازد. هدف نه تنها تحریف حقایق تاریخی، بلکه در عین حال ایجاد تفرقه بین در سازمان برادر است.

"کیهان هوایی" در اجراء دستور وزارت اطلاعات از نوشته‌های گروه‌شن نفرتی اخراج شده از صفوف حزب در مبارزه علیه حزب توده ایران استفاده می‌کند. چرا "کیهان هوایی" ناگهان به بلندگویی آزدگان سیاسی مبدل شده است؟ روزنامه‌های مجاز کشور اراجیفی به نام توده ایهای در بند می‌نویسد و انصاری رئیس سازمان زندانها وعده انتشار کتاب علیه حزب توده ایران را می‌دهد. از هم اکنون می‌توان گفت که مضمون اصلی "کتابها" چیزی جز همانهایی نخواهد بود که هم اکنون نهادهای جاسوسی رژیم برای ایجاد انحراف در اندیشه هواداران حزب در اردو تحلیل سیاست گذشته و حال حزب ما در

تهران منتشر می‌کنند.

می‌توان به نام توده ایهایی که زیر شکنجه‌های مستمر جسمی و روانی در فراموشخانه‌های رژیم به مرگ تدریجی محکومند، انواع ترهات را سر همبندی کرد، اما کدام عقل سلیم و آگاه به فجایع درون زندانها می‌تواند، این نوشته‌ها را به عنوان سکه نقد بپذیرد.

حتماً خوانندگان "نامه مردم" گفته "مهندس بازرگان را که پس از نمایش شوهای تلویزیونی - که نیروهای سرکوبگر رژیم عده ای از اعضا سازمانهای مترقی را روی صحنه تلویزیون ظاهر کردند - به خاطر دارند. وی در یکی از سخنرانیهای خود گفت: اگر فردا بازرگانی روی صحنه تلویزیون ظاهر شود، آن بازرگانی نیست که امروز با شما صحبت می‌کند. منظور مهندس بازرگان از این تاکید چه بود؟ به یقین وی از فجایع پشت دیوارهای زندان و شبهه‌های مدرن رایج در آنجا باخبر بود، ولی به عللی نمی‌خواست و یا نمی‌توانست آنها را بازگو کند.

کوتاه سخن، ارتکبی از مبلغین ضد کمونیسم و ضد توده ای در سیمای "ساواک" و وابستگان به "سیا" و "موساد" و "اینٹیلیجنٹ سرویس" دیگر بار نغمه‌های توده ای ستیزی را ساز کرده اند. وجود این ارتکب زائیده تخمیل مانیست. اعضا آن در جامعه ما بسیارند و گرداننده اصلی چرخهای اقتصادی و سیاسی کشور نیز هستند. اینها کسانی هستند که به نوشته "کیهان" (۱۹ شهریور ۶۵) "حقیقت انقلاب و ارزشهای آن را که در او دو باره سابه شوم و جاهای خوانین و درباریان و کارگزاران طاغوت را می‌گسترانند" و همگی به وضوح "سرایت و نفوذ جریانات مغرب و ضد انقلاب را در شاخه‌های اقتصادی و سیاسی فرهنگی حکومت اسلامی مشاهده می‌نمایند...". اینها "خوانین، شروتمندان عیاش و طاغوتچه‌ها" می‌باشند که "جهت بازپس گیری اموال و املاک مصادره ای" حکام شرع را پشت سر دارند و "مشاهده می‌کنیم همه چیز به نفع همان مترف و قلدر تمام می‌شود". نویسنده "کیهان" آنها را "دست مرموزی" می‌نامد که با "حیثیت و ارزشهای بالای انقلاب... دست و پنجه نرم کرده و آن را با بازیچه و دستاویز خود قرار داده اند".

آتش افروزان کارزار تبلیغاتی ضد توده ای نیز این "دستهای مرموز" هستند. می‌توان پرسید: هدف از این مرحله "نویس توده ای ستیزی چیست؟ مگر نه این است که هم سران رژیم هم "دستهای مرموز" عمال امپریالیسم یکا صد "انحلال" حزب توده ای ما را به جهانبان اعلام کردند؟ مگر نه این است که پس از سازمان دادن یورش وحشیانه به حزب، اعلام کردند که گویا برای همیشه به فعالیت حزب توده ایران در عرصه سیاسی جامعه پایان داده اند؟

اگر این آقایان و اقلانیز به آنچه که گفته و نوشته اند ایمان داشتند، در اینصورت چه نیازی به این چنین تبلیغات سو علیه حزب ما می‌بود؟ پاسخ این سئوالها روشن است. رژیم ج. ا. و ارگانیهای سرکوبگر آن در محاسبات خود اشتباه کرده بودند. آنها نمی‌توانستند درک کنند، حزبی را که ریشه در اعماق جامعه دارد، نمی‌توان با تهمت و افترا زدن و اعدام از بین برد. تشکیل بلنوم می‌دهد و سپس بلنوم نورد هم و بلافاصله تشکیل کنفرانس ملی حزب توده ایران

که مانند پتگی بر سر دشمنان سو کند خورده حزب توده ایران فرود آمد، علل اساسی مرحله جدید کارزار توده ای ستیزی هستند.

### کمونیسم ستیزی

### حربه ای برای انحراف افکار عمومی

کمونیسم ستیزی و توده ای ستیزی از ابداعات رژیم ضد خلقی ج. ا. نیست. آنها در این مورد نیز با در جای پای رژیم گذشته می‌گذارند.

۹ آذر ماه ۱۳۵۷، رویرت ریچاردسون، معاون "سیا" با مقدم رئیس وقت ساواک در تهران ملاقات و گفتگو کرد. متن این گفتگو در اسناد "لانه جاسوسی" انتشار یافت. مقدم ضمن تشریح اوج جنبش انقلابی، توضیحاتی به ارباب خود داد که جالب است. او از جمله گفت: "... اقدامات فشرده مذهبی هر روز منافع بیشتری عاید کمونیست‌ها می‌کند... اگر قدرت ملی ما روزی به معنی واقعی تضعیف شود، تنها عامل کمونیستها بوده اند. موقعیت جغرافیایی ایران و منافع سنتی و استراتژیکی شوروی را در این منطقه بیاد داشته باشید. فراموش نفرمائید که فقط کمونیست‌ها، از این اوضاع بهره برداری خواهند کرد."

"خطر کمونیسم" و "خطر شوروی" مضمون و محتوی گفته‌های مقدم را تشکیل می‌داد که پس از انقلاب، در کارزار توده ای ستیزی به سلاح عمده جناحهای عمیقاً ارتجاعی در حاکمیت، از آنجمله نمایندگان و سخنگویان بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران مبدل شد.

اینکه انقلاب بهمین، انقلابی به تمام معنی خلقی بود، جای تردیدی نیست. کمونیست‌ها نیز دو شادوش خلق خود در جنبش انقلابی شرکت داشتند. خلقی علیه رژیم دست نشانده امپریالیسم بیخاست و باغداکاری و از جان گذشتگی بی نظیری در راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی مبارزه کرد و پیروز شد. هم در آن ایام و هم امروز، نه "موقعیت جغرافیایی ایران" و نه "منافع سنتی و استراتژیکی شوروی" مطرح نبوده و نیست و اصولاً نمی‌تواند باشد. زیرا، سیاست خارجی اتحاد شوروی با هر گونه دخالت در امور داخلی هر کشوری مخالف است. کمونیستهای ایران با شرکت در جنبش انقلابی به وظیفه ملی خود عمل می‌کردند و امروز هم در رویارویی با رژیم خود کاه قرون وسطایی خمینی از آرمانهای ملی و آماجهای انقلابی توده‌های زحمتکش دفاع می‌کنند.

روشن است که چرا امروز هم مانند دیروز با زدن انواع تهمت‌ها می‌خواهند بار دیگر "خطر کمونیسم" را مطرح سازند. اگر دیروز مقدماتی ترس اوج گیری جنبش "خطر کمونیسم" را پیش می‌کشیدند، امروز سران ج. ا. که در برابر موج عظیم و فراگیر جنبش میلیونها ایرانی قرار گرفته‌اند، با پراه انداختن کارزار توده ای ستیزی، همان راه را دنبال می‌کنند.

برای درک ماهیت موج نوی توده ای ستیزی باید آن را در قالب معین و مشخص مبارزه طبقاتی در جامعه مورد بررسی قرار داد.

ما توده ایها معتقدیم که مبارزه تاریخی، صرف نظر از آنکه در اشکال سیاسی، مذهبی، فلسفی و یا

دیگر عرصه‌های ایدئولوژیک جریان باشد، در واقع بازناب کم و بیش آشکار مبارزه میان طبقات اجتماعی است. تا زمانی که انسانها، زیر پوشش هر اظهار نظر، وعده و... منافع این یا آن طبقه را مشخص ندهند، همیشه قربانی تبلیغات دروغ در سیاست خواهند بود.

حزب توده ایران بنا به ماهیت طبقاتی خود از منافع طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان شهر و ده دفاع کرده و می‌کند و بنا بر این دشمن آشتی‌ناپذیر طبقه استثمارگر بوده و هست. انتظار اینک در این مبارزه، دشمنان خلق از هیچ تهست و افترائی بهره نگیرند، آب در هاون سائیدن است.

ما، مبارزه طبقاتی را در همه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک ادامه می‌دهیم. ما از مبارزه اقتصادی، یعنی یکبار صنفی کارگران در راه بهبود شرایط زندگی و کار حمایت می‌کنیم و آن را سازمان می‌دهیم. در عین حال می‌گوئیم تا این نبرد به شکل عالمگیر، یعنی به مبارزه سیاسی ارتقا نابد. مبارزه سیاسی، یعنی مبارزه در راه حل بنیادی منافع پرولتاریا، یعنی تأمین حاکمیت کارگران و دهقانان و روشنفکران انقلابی و متحدان بالقوه آنها. دستیابی به این هدف نهائی جز با مبارزه سخت و آشتی‌ناپذیر ایدئولوژیک - سیاسی غیر ممکن است. دشمنان ما نیز به این حقیقت اعتراف علت تشدید مبارزه ایدئولوژیک علیه حزب مارا نیز باید در همین امر بیکاری کرد.

ماهیت مبارزه رژیم ج.ا. و عمال امپریالیسم که اینک زیر پوشش انواع اتهامات و در حساب علیه حزب ما ادامه دارد، جز مبارزه طبقاتی و مبارزه ایدئولوژیک نبوده و نیست.

امروز هم مانند سال ۵۶ و ۵۷، مبارزه طبقاتی در جامعه ما جریان دارد. این مبارزه محصول عملکرد ضد خلقی رژیم است که به مردم پشت کرد و با دفاع از منافع غارتگرانه، مثنی کلان سرمایه دار و زمیندار بزرگ، اقتصاد کشور را در آسایش نابودی کامل قرار داده است.

۳. مراد سال جاری، روزنامه "کیهان" با استناد به آمارهای رسمی دولتی نوشت، بخش کشاورزی یازده خود را کاهش می‌دهد، کشاورزان و دامداران و شاغلین رشته‌های ماهیگیری و استخراج روز بروز به علت فشار ناشی از کاهش بازدهی تولید، بی آنکه قدمی در جهت مکانیزاسیون برداشته شده باشد، از این بخش کنده می‌شوند. در بخش صنعت که موضوع آفتاب‌تر است، نه به علت خودکاری دستگاهها بلکه به علت فقدان مواد اولیه و فرسودگی ماشین‌آلات و کاهش بهره‌وری تولید و نقص روابط تولیدی، بیکاری رو به افزایش شتابان است.

طبق آمار بانک مرکزی، نقدینگی بخش خصوصی از ۲۱۰ میلیارد تومان در سال ۵۶ به ۷۴۶ میلیارد تومان در سال ۶۲ افزایش یافته است. در همین فاصله وام دولت به سیستم بانکی ۵/۶ برابر شده و به ۵۸۲ میلیارد تومان رسیده است.

نوسنده "کیهان" می‌پرسد: "حال با توجه به ارتقا فوق و با توجه به کاهش سریع تولیدات کشاورزی، و صنعتی که واردات را افزایش داده و صادرات را کاهش داده است، غیر از این است که دولت در خدمت خدمات انگلی و با واسطه‌گری و

دلالتی بوده است؟" به بیان دیگر، رژیم انقلاب را در بست در جهت منافع مثنی غارتگر به نام سرمایه‌دار و مالک قرار داده است.

اگر تلفات عظیم جانی و مالی ناشی از ادامه جنگ و تشدید رژیم ترور و اختناق را که روزنامه‌های مجاز حق اظهار نظر درباره آنها را ندارند، در نظر بگیریم، علت تشدید مبارزه طبقاتی در جامعه بیش از پیش برجسته خواهد شد.

مردم از این رژیم بیزارند. مردم خواهان سرنگونی رژیم هستند. توده‌های میلیونی که هفت سال پیش خمینی را به رهبری انتخاب کردند، امروز که با تجربه شخصی به ماهیت ضد خلقی وی پی برده‌اند شعار "مرگ بر خمینی" را سر داده‌اند. نگرانی رژیم از سرنوشت شومی است که در انتظارش است.

در چنین شرایطی معمولاً برای منحرف ساختن افکار عمومی، شیوه جوسازی علیه نیروهای راستین انقلاب مطرح می‌شود. ارتجاع می‌کوشد تا بهر وسیله‌ای در این زمینه متوسل گردد.

پایان موفقیت آمیز کنفرانس ملی، انتشار نسبتاً وسیع گزارش و قطعنامه‌ها و برنامه حزب توسط توده‌ایهای فداکار در داخل کشور، این ناراضی عمومی را نه تنها تشدید می‌کند، بلکه راه برون رفت از مشکلات کنونی را به توده‌های زحمتکش نشان می‌دهد.

این امر نمی‌توانست خشم سران مرتجع ج.ا. ایران را برنیت‌انگیزد و خواب از دیدگان آنها نر باید. آنها نیز که خیال خام نابودی حزب توده‌ای ما را در مغزهای غلیل خود پرورش می‌دادند، حق دارند که از حضور گسترده حزب در جامعه برآشفته شوند و برای نجات خود، پرورش سوم را آغاز کنند.

سران رژیم می‌خواهند چنین وانمود کنند که گویا این اسلام فقاهتی و خمینی و هواداران بازاری‌اش نیستند که صدها هزار پیر و جوان کودک را قربانی شهوت جنگ‌افروزی و صدور انقلاب اسلامی خود کرده‌اند، گویا این جمهوری اسلامی نیست که ده‌ها هزار پسر و دختر، پیر و جوان را به جوخه‌های اعدام سپرده و یاد فراموشخانه‌های رژیم به مرگ تدریجی محکوم کرده است، گویا این سران خیانت پیشه ج.ا. نیستند که فقر و بیکاری و بدبختی و فلاکت و بی‌خانمانی را برای میلیونها ایرانی بیار آورده‌اند، بلکه "گناه" متوجه حزب توده ایران است.

نه، آقایان! مردم ایران عاقلتر از آن هستند که اینگونه ترهات را باور کنند. توده‌های میلیونی زحمتکشان که به تجربه سخت و درد آور خود چهره کربه رژیم "ولایت فقیه" را شناخته‌اند، قادرند که حق را از باطل تشخیص دهند. مبارزه با توده‌ایها و "پاکسازی" رسوایت مارکسیستی زیر پر پوشش، از آنجمله زیر پوشش اسلامی فقط یک معنی دارد: نزدیکی به امپریالیسم. به هیچ وجه تصادفی نیست که رفسنجانی در مصاحبه با روزنامه "مصری" "الشعب" (دلت کنید با روزنامه مصری) بیرامین آینده روابط ایران و آمریکا، امکان استقرار و بنا بر این دو کشور را مطرح می‌سازد و در باغ بیخه امپریالیسم آمریکان نشان می‌دهد.

ما به موقع خود نوشتیم که هدف از پرورش به

حزب توده ایران جلب رضایت امپریالیسم سرکردگی امپریالیسم آمریکا است. بعدها آقای بازرگان در کتاب خود "انقلاب ایران در دو حرکت" به این حقیقت اعتراف کرد و از قول یکی از "دوستان خیر که سالهاست مقیم و شاغل در آلمان بوده و گاهگاه به ایران می‌آید و از علاقمندان و خدمتگزاران انقلاب است" نوشت که با پیروزی "انقلاب اسلامی، اروپائیان متعصب" (بخوان، انحصارهای جهانخواه) نگران "یک انقلاب با کودتای کمونیستی" بودند که "با دستگیری سران حزب توده" ایران "خیالشان راحت گشت و حالا معاملات اقتصادی و پشتیبانی سیاسی از ما می‌کنند" (ص ۱۷۵).

اینکه امپریالیستها، پس از پرورش به حزب ما، محاصره اقتصادی علیه ایران را شکستند و هم اکنون انحصارهای غرب بیش از ۷۰ درصد واردات ایران را تأمین می‌کنند، نشانه بارز خشنودی خاطر و جلب اطمینان امپریالیستها از کمونیسم ستیزی و توده‌ای ستیزی سران مرتجع جمهوری اسلامی است. اما، این هنوز کافی نیست. امپریالیستها خواهان کشتار هر چه بیشتر مارکسیست‌ها هستند. برای جلب حمایت امپریالیسم، پرورش جدید به حزب توده ایران در دستور روز قرار دارد. انتشار انواع نوشته‌های مبتذل و تجدید اتهامات بی‌اساس و واهی، تدارکی است در این زمینه.

ما تردیدی نداریم که این بار نیز تیر ضد توده‌ایها به سنگ خواهد خورد. اما، این بدان معنی نیست که ما در مبارزه در راه افشای سیاست ضد خلقی رژیم دست روی دست خواهیم گذارد. سیاست رژیم ج.ا. مصالح ملی و استقلال میهن ما را تهدید می‌کند، کمونیسم ستیزی و توده‌ای ستیزی فقط بهانه است. بجاست در اینجا بار دیگر اظهارات شادروان دکتر مصدق را در بیدادگاه شاه خاطر نشان کنیم که "کمونیسم را بهانه کرده‌اند، برای اینکه چهل سال دیگر از معادن نفت ما سو استفاده کنند".

### نمایندگان کارگران ایران در

### "کنگره جهانی سندیکائی"

دکوتیار، خواهان "برداشتن گامهای سازنده در مبارزه با فاجعه هسته‌ای" شده‌اند.

"کنگره جهانی سندیکائی" در چندین قطعنامه همبستگی و همدردی خود را با خلق‌های سراسر جهان در راه آزادی ملی و اجتماعی اعلام کرده است.

"نامه مردم" در شماره آینده خوانندگان خود را در جریان فعالیت نمایندگان "کمیسرین ارتباطات سندیکائی کارگران ایران" در "یازدهمین کنگره جهانی سندیکائی" قرار خواهد داد.

طبقه کارگر متحد همه چیز طبقه کارگر مشرق هیچ چیز



# بزرگترین جشن مردمی فرانسه

## ابراز همبستگی بازیدکنندگان از غرقه ایران در جشن "اومانیته" با مبارزات مردم ایران

روز ۲۲ و ۲۳ شهریور (۱۲ و ۱۴ سپتامبر) امسال جشن سالانه "اومانیته" ارگان حزب کمونیست فرانسه، در حومه کارگری پاریس برگزار شد. بنا بر نوشته "اکثر مطبوعات فرانسوی استقبال مردم از جشن "اومانیته" - این بزرگترین جشن مردمی فرانسه - کم نظیر بود. تا روز برگزاری جشن کمتر از ۶۰۰ هزار بلیط حمایت از مطبوعات کمونیست فرانسه به فروش رفت. همه فدراسیونهای حزب کمونیست فرانسه، کارگران کارخانه‌های بزرگ صنعتی و نزدیک به ۱۰۰ روزنامه احزاب کمونیست و جنبشهای دمکراتیک، در محفلی به وسعت یک شهر غرقه‌های باشکوهی برپا کردند. طی این جشن ۱۱ هزار عضو جدید به صفوف حزب کمونیست فرانسه و سازمان جوانان آن پیوستند.

جشن به وسیله رفیق ژرژ مارش، دبیرکل حزب کمونیست فرانسه، در قسمت شهرک بین‌المللی افتتاح شد.

پس از سخنرانی رفیق ژرژ مارش و افتتاح رسمی جشن، بازدید مردم از غرقه‌های شهرک بین‌المللی آغاز شد. شهرک بین‌المللی را روزنامه "اومانیته" در فردای جشن چنین توصیف کرده:

"شهرک بین‌المللی نمونه‌ای را در جهانی که از جنگ و امپریالیسم رهائی یافته نشان می‌دهد که می‌تواند وجود داشته باشد و باید بوجود آید. آفریقای جنوبی بدون آپارتاید، مردم فلسطین که در بر زمین خود زندگی می‌کنند، و شیلی که در آن انگشتان گرفتار دست (وکتور خارام) را قطع نمی‌کنند. همه مردم در کنار یکدیگر با هزار و یک صدای همبستگی".

"نامه مردم"، "کار"، از جمله صداهای همبستگی خلقهای ایران در میان این "هزار و یک صدای جشن "اومانیته" بودند.

هزاران نفر از غرقه "نامه مردم" و "کار" که برای ششمین سال پیاپی بطور مشترک در جشن "اومانیته" شرکت داشتند، بازدید کردند و تقاضای نامه‌های قطع فوری جنگ و آزادی زندانیان سیاسی را امضا کردند. هر دو غرقه که با تابلوی بسیار بزرگوار از تظاهرات مردم و مشت گره کرده خلق نژادین یافته بود و طراحی‌های درون غرقه که هر یک نمونه‌ای از مبارزه مردم و همبستگی خلقهای گوناگون آن و تابلوهایی که به مناسبت چهل و پنجمین سالگرد تأسیس حزب ترسیم شده بود، نظر بازدید کنندگان را جلب می‌کرد.

سازمان حزب توده ایران در فرانسه کلیه اعداد منتشر شده کنفرانس ملی را که به زبان فرانسه ترجمه و بطور کامل در یک جلد و نیز

### همبستگی جهانی با مردم و ...

حزب کارگر، ادنی رابرتز، دبیر کانادان، مارک فیشر، جرمی کوربین، اریک دیکنز، مارتین روموند، هاری کهن، دکتر مک دونالد، ائف دایز، کلر شورت، و همچنین الف لاس و جز هاگ فیلد نمایندگان پارلمان اروپا.

کن لوئنگستون رئیس شورای شهر لندن، جان مک کای شهردار ادینبورگ، رالف دان مسئول بیکاران در کنگره اتحادیه‌های کارگری بریتانیا، بیل نایت دبیر خارجی شورای کارگری آبردین، دیوید کوک دبیر کارزار علیه قوانین نژادپرستی.

دبیران شعب حزب کارگر: مارتین زده، نیل موریس، جان لوئین، موریس رادلی و همچنین تعداد قابل ملاحظه‌ای از اعضا و مسئولان حزب کارگر، شعب مختلف حزب کمونیست بریتانیا، اتحادیه‌های معدنچیان، کارمندان دولت، معلمان، کارگران فنی و مهندسی،

روزنامه نگاران، اساتید دانشگاه، مدیران مدارس، کارگران حمل و نقل، دانشجویان، کارگران خدمات عمومی، لوکوموتیورانان، کارگران راه آهن و ...

### تظاهرات علیه رژیم در لندن

گروه بزرگی از ایرانیان میهن پرست، نمایندگان سازمان های مرفقی و انقلابی بریتانیا، عراق، ترکیه، یونان، قبرس و ... تظاهرات ایستاده‌ای به مدت یک ساعت، در مقابل سفارت رژیم ج.ا. در لندن برگزار کردند. تظاهرکنندگان که عکس‌های ده تن از مبارزان توده‌ای تیرباران شده، رفقا ناخدا افضلی و یاران را در دست داشتند ضمن توزیع اعلامیه‌های افشاگرانه در بین عابران، فریاد می‌زدند: "به ترور و اختناق در ایران، به شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی، به کشتار مردم کردستان و به جنگ ایران و عراق پایان دهید".



صحنه ای از تظاهرات میهن دوستان در لندن

این تظاهرات باشکوه، با شعارهای "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" و "زنده باد همبستگی بین‌المللی با مردم ایران"، پایان یافت. محافل اجتماعی بریتانیا، ضمن پشتیبانی وسیع از این تظاهرات افشاگرانه، با انتشار مقالاتی در نشریات مرفقی، همبستگی خود را با مبارزه مردم و حزب توده ایران اعلام داشتند.

**کمک مالی به حزب توده ایران  
یک وظیفه انقلابی است!**

**کمک‌های مالی رسیده:**

جلال - کمک به خانواده زندانیان سیاسی یک کمک یک ریالی طلا  
م. حمید - ۲۰ مارک

بخشهایی از آن را جداگانه به چاپ رسانده بود، بطور وسیع در میان بازدید کنندگان و همه غرقه‌های موجود پخش کرد و شماره‌های "اکتوآلبته دوتوده" بولتن بین‌المللی حزب توده ایران به زبان فرانسه و نشریاتی درباره جنگ و زندانیان سیاسی که به زبان فرانسه تهیه شده بود نیز در هزاران نسخه به فروش رفت. بازدید کنندگان ایرانی غرقه نیز از کتابها و نشریات حزب و همچنین نمونه‌هایی از اوراق تبلیغاتی هسته‌ها، حزبی در داخل کشور (بیش از صد نمونه) استقبال کردند.

خبرنگار "نامه مردم" در فرانسه در چارچوب این جشن با رفیق صدیق کادون مدیرمسئول روزنامه "حقیقت انقلاب ثور"، رفیق ژرژ مونتو عضو هیأت سیاسی حزب کمونیست شیلی و سناتور سانتیاگو در دوران حکومت آلنده، رفیق نعیم الشعب، عضو هیأت سیاسی حزب کمونیست فلسطین که ریاست هیأت نمایندگی احزاب خویش را بر عهده داشتند و برخی شخصیت‌های دیگر حاضر در جشن گفتگوهایی داشت که به مرور در شماره‌های آینده "نامه مردم" به چاپ خواهد رسید.

**NAMEH MARDOM**  
P.B. 49034  
10028 Stockholm 49  
Sweden  
Nr: 123  
9 October 1986

**جبهه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است**